

آموزش زبان عربی در دانشگاه افسری امام علی (ع) (چالش ها و فرصت ها)

دکتر علی کواری^۱

چکیده

آموزش زبان‌های خارجی در دانشگاه افسری امام علی(ع) با توجه به شرایط حاکم در یک محیط نظامی، همواره یکی از پرچالش‌ترین مباحث آموزشی در ادوار گذشته بوده است. در سر فصل دروس دانشگاه افسری امام علی(ع) زبان عربی فقط در ۷ واحد درسی قواعد (۳ واحد صرف و ۴ واحد نحو) جهت دانشجویان گرایش الهیات پیش بینی شده بود. این در حالی است که با توجه به زبان رسمی کشورهای حوزه خلیج فارس و همسایه، آشنایی افسران آتی با زبان عربی امری بدیهی به نظر می‌رسد. این جستار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا علاوه بر بیان چالش‌های آموزش زبان عربی در این دانشگاه راهکارهای مناسبی جهت رفع این مشکلات ارائه نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش زبان عربی متکی بر روش سنتی قواعد محور همانند گذشته بهره لازم را ندارد و بایستی از روش‌هایی نوین در امر آموزش زبان با تکیه بر آموزش مهارت‌های چهارگانه زبان اقدام نمود و این امر یک ضرورت است.

واژگان کلیدی: دانشگاه افسری امام علی (ع)، زبان عربی، نیاز سنجی، الگوی آموزشی مناسب

^۱ استادیار گروه زبان عربی دانشگاه افسری امام علی (ع) kavari@iamu.ac.ir

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی و دارای عقل و خرد جهت ارتباط با هم نوع خودش بایستی از ابزار زبانی استفاده کند. تنوع این وسیله ارتباط در طول سالیان متمادی به حدی گسترش یافته است که تقریباً نزدیک به ۴۰۰۰ زبان وجود دارد. در دنیای امروزی به دلیل ارتباط علم و تکنولوژی و موسوم به دهکده جهانی، یادگیری برخی از این زبان‌ها ضروری به نظر می‌رسد. این افزون بر ارتباط تنگاتنگ فرهنگی بین ملل است که افراد را به فراگیری زبان مورد نیاز خود ترغیب می‌کند.

زبان عربی به عنوان پایه و اساس زبان فرهنگ و تمدن اسلامی، از آغاز ظهور اسلام و گسترش آن در اقصی نقاط این جهان گیتی کانون توجه همه ملت‌های مسلمانی که زبان عربی زبان مادری آنان نبود قرار گرفت و از آن روز تاکنون برای آموختن آن همت گماشتند. و این افزون بر این امر است که زبان عربی به عنوان یکی از شش زبان رسمی دنیا است که زبان اصلی ۵۰۰ میلیون نفر می‌باشد و مردمانش در نقطه استراتژیک خاورمیانه و در همسایگی کشور ایران سکنی گزیده‌اند. و البته تنیدگی زبان فارسی و عربی را هم نمی‌توان نادیده گرفت و «مهم‌تر از همه این است که کسی نمی‌تواند زبان فارسی را بطور صحیح بیاموزد، مگر اینکه به زبان عربی آشنایی کامل داشته باشد؛ زیرا بیش از یک سوم جملات فارسی را واژه‌ها، مشتقات و مصطلحات مختلف عربی تشکیل می‌دهد.» (نجفی، ۱۳۹۴: ۵).

پس از انقلاب و حاکمیت نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران ، فراگیری زبان عربی افزون بر زبان بسیاری از کشورهای همسایه، به عنوان زبان دین اسلام در اولویت آموزش زبان‌های خارجی در ایران قرار گرفت و از مرحله اول متوسطه تا رشته‌های مرتبط با این زبان در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. دانشگاه افسری امام علی (ع) نیز از این امر مستثنی نبوده و آموزش زبان عربی محدود به دانشجویان گرایش الهیات و فقه اسلامی گردیده است و آن هم به روش قواعد محور. این در حالی است که تمرکز اصلی بخش تربیتی و فرهنگی دانشگاه یعنی عقیدتی سیاسی، بر آموزش صحیح روخوانی و روانخوانی و تجوید قرآن کریم جهت همه دانشجویان دانشگاه است. حال جای این سوال باقی است که چگونه امر آموزش قرآن کریم بدون حتی آشنایی با جزئی‌ترین زبان این کتاب مقدس امکان پذیر می‌باشد؟ و مگر غیر از این است که به فرمایش امامان معصوم اگر می‌خواهید از شر قومی در امان باشیم باید زبان آنها را فرا گیریم. پس با این همه تهدید و ناامنی که توسط دشمنان حقیقی این مرز و بوم از طرف کشورهای عربی ایجاد می‌شود، راهی جز فهم حقیقت غیر از فراگیری زبان آنها وجود نخواهد داشت. افزون بر موارد قید شده بی‌شک یادگیری زبان عربی نقش سازنده‌ای را در همبستگی بین ملت‌ها و گفتگوی تمدن‌ها و با انتشار زبان عربی و فرهنگ اسلامی در میان جوامع بشری مسلمان دارد.

در حقیقت فلسفه‌ی آموزش زبان عربی در دانشگاه را می‌توان هم از جنبه‌ی زبانی و کاربردی مد نظر قرار داد و هم از جنبه‌ی درک و فهم متون دینی، فراگیری قرآن کریم، احادیث و روایات و ... با همه‌ی این اوصاف این تحقیق سعی خواهد نمود با بررسی وضعیت

کنونی آموزش زبان عربی در دانشگاه به دنبال یافتن راهکاری بر اساس شرایط ویژه حاکم در این دانشگاه است.

سوالات تحقیق:

این تحقیق سعی بر آن دارد تا به سوالات اساسی ذیل پاسخ دهد:

الف) آیا نیازی به آموزش زبان عربی در دانشگاه افسری امام علی (ع) وجود دارد؟

ب) مهمترین چالش‌های پیش روی آموزش زبان عربی در دانشگاه افسری امام علی (ع) در چیست؟

ج) چه الگوی آموزشی مناسب شرایط یک دانشگاه نظامی جهت تدریس زبان عربی می‌توان ارائه نمود؟

روش تحقیق

این تحقیق در واقع در زمره اولین تحقیقاتی است که در سطح کشور در زمینه بررسی آموزش زبان عربی به طور خاص در یک دانشگاه انجام می‌گیرد و از نوع تحقیقات بنیادی^۱ با هدفی کاربردی است، محسوب می‌شود که در دو بعد کمی و کیفی انجام گرفته است. با استفاده از روش تحقیق اسنادی - تحلیلی محقق سعی کرد با بررسی تحلیلی نظریه‌ها و پژوهش‌هایی که در زمینه آموزش زبان‌های خارجی صورت گرفته است به بررسی و تحلیل هر کدام از آنها با مد نظر قرار دادن تطبیق آنها در شرایط ویژه یک دانشگاه نظامی بپردازد تا به مبانی لازم برای ارائه مدل آموزش زبان عربی در دانشگاه مذکور دست یابد.

^۱ Applied research

پس از دستیابی به اصول آموزشی مد نظر، از روش تحقیق توصیفی - پیمایشی برای بررسی وضعیت موجود، رابطه میان رویدادها و بررسی ماهیت شرایط حاکم استفاده گردید تا با تحلیل پیش نیازهای لازم جهت ارائه یک الگوی آموزش زبان عربی اقدام شود.

پیشینه پژوهش

بی شک با کمی کنکاش در امر آموزش زبان‌های خارجی می‌توان به سیل عظیمی از تحقیقات و پژوهش‌ها در این زمینه دست یافت. امری که در آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران در مقیاس بسیار کمتری اتفاق افتاده است. اما در خصوص آموزش زبان عربی در دانشگاه افسری امام علی (ع) تا کنون هیچ گونه پژوهش علمی صورت نگرفته است و تغییرات حاصله در راستای آموزش این زبان بیشتر متکی بر تجربه بر اساس سر فصل دروس منطبق در دانشگاه‌های دیگر بوده است. اما جهت آشنایی بیشتر با مباحث اصلی بحث به تحقیقات صورت گرفته که تا حدودی با موضوع پژوهش همپوشانی دارد اشاره‌ای خواهیم کرد:

۱. مقاله عباسیان و همکاران (۱۳۹۰) تحت عنوان «ارزیابی برنامه آموزش‌های علمی در بافت سازمان‌های نظامی و ارائه الگوی آموزشی متناسب (با تأکید بر ارزیابی برنامه آموزش زبان انگلیسی دانشگاه افسری امام علی (ع)). این تحقیق که در دو بعد کیفی و کمی انجام گرفته است نشان دهنده هماهنگی نسبتاً ضعیف بین سه عامل اصلی تشکیل دهنده یک برنامه آموزشی یعنی هدف گذاری، نحوه آموزش و نیازهای داوطلبان است و بعد کمی نیز موید نتایج به دست آمده در مرحله ی کیفی است و بیانگر عدم پیشرفت قابل توجه و معنادار دانشجویان در طول نیم سال تحصیلی است.

۲. محمدی و کیانی (۱۳۹۵ هـ) در مقاله خود تحت عنوان «ارائه الگویی مناسب برای

تدریس قواعد و متون عربی ویژه دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی بر اساس روش متن محور» به جنبه‌های آموزش قواعد عربی در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخته و روش متن محور را ایده‌آل‌ترین روش جهت این امر می‌دانند و مراحل اجرای آن را به ترتیب در نیازسنجی، طبقه بندی قواعد، انتخاب متون هدفمند، ارائه متون، استنباط قواعد، تطبیق و تمرین می‌دانند.

۳. پاشازانوس (۱۳۸۸) در مقاله خود با نام «نگاهی به نحوه آموزش صرف و نحو در دانشگاه های کشور، آسیب ها، راهکارها» چهار رکن اساسی آموزش یعنی استاد، دانشجو، مواد آموزشی، و شیوه آموزش را بررسی نموده است.

۴. رسولی (۱۳۸۴) در مقاله خود تحت عنوان «ریشه یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه های ایران: مبانی تعریف گرایش ها». به جایگاه نامناسب زبان عربی در ایران، جایگاه نامناسب علوم انسانی، بی انگیزگی دانشجویان زبان عربی، و ابزارهای آموزشی بی کیفیت و روش های نامناسب تدریس اشاره نموده است.

۵. در مقاله «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه های ایران: نقص ها، کاستی ها، و راهکارها» از سلیمی (۱۳۸۶)، به سنتی بودن شیوه های آموزش و قواعد محور بودن آن‌ها اشاره شده و راهکارهایی چون توجه به محوریت متن، لزوم تقسیم بندی قواعد بر مبنای کاربرد ارائه شده است.

۶. متقی زاده و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله «میزان اجرای روش ها و فنون تدریس قواعد در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی از نظر استادان و دانشجویان» به

بررسی و تحلیل و نقد فنون و روش های تدریس قواعد در دانشگاه های ایران پرداختند.

اما نگارنده در جستار پیش رو، ضمن استفاده از نتایج و روش پژوهش های مذکور سعی بر آن دارد تا چالش های تدریس زبان عربی در یک دانشگاه نظامی با در نظر گرفتن فرصت ها و محدودیت های آن بپردازد و در انتها راهکارهای مناسبی بر اساس نیاز سازمانی تعریف شده در جهت بهبود آن ارائه نماید.

ادبیات نظری پژوهش

امروزه رویکردهای آموزشی متفاوت نسبت به گذشته در امر آموزش زبان های خارجی ایجاد شده است و بیشتر بر روی رویکردهای ارتباطی استوار است. هر چند افرادی همچون ویدسون معتقد است که فهم نقش موقعیت برای درک مفاهیم متن، به تنهایی کافی نیست بلکه گاهی به دقت بیشتری برای مشخص کردن تفصیل آن موقعیت نیاز است که این امر از طریق فهم نقش قواعد امکان پذیر است (ویدسون، ۱۹۹۰: ۸۳). همانند آنچه که در فهم و درک آیات قرآن کریم رخ می دهد و چاره ای جز دانستن قواعد عربی جهت یافتن ارتباط بین واژگان نیست.

بدیهی است جهت فراگیری یک زبان خارجی می بایست روش آموزش از ساده به سخت باشد. یعنی ابتدا زبان آموز با جزئی ترین مفاهیم آن زبان آشنا شده، سپس با مرور زمان و آموزش های مکرر به نکات و ملاحظات زبان مذکور و در صورت نیاز مفاهیم پیچیده فرا خواهد گرفت.

و موانع و چالش های پیش روی یادگیری یک زبان را بایستی در خود زبان آموز و یا نظام آموزشی و یا مدرس جستجو کرد .

به طور کلی سه روش در فراگیری قواعد یک زبان وجود دارد (محمدی و کیانی،)

روش قیاسی

در این روش ابتدا قاعده بیان می شود سپس مثال ها و شواهد این قاعده ارائه می گردد (مدکور، ۲۰۱۰: ۲۵۸). در این روش بیشتر دانشجو مجبور به حفظ قاعده است تا بر اساس آن مثال ها و شواهد را تجزیه و تحلیل نماید و فرصتی برای کشف آنها به دانشجو داده نمی شود و پس از مدتی احساس خستگی و بی رغبتی نشان دهد و ناگزیر پس از مدت کوتاهی از یاد دانشجو خواهد رفت. روش آموزش قواعدی که در روزگاران گذشته رواج داشته است و بیشتر کتاب های قواعد مثل مبادئ العربیة و جامع الدروس و شرح ابن عقیل بر اساس آن ارائه شده اند. با اینکه قواعد در این روش دسته بندی شده و مدرس نیازی به تلاش زیاد جهت ارائه آنها ندارد، اما از معایب اساسی این روش ارائه مفاهیم کلی در ابتدا به ساکن سپس تحلیل آنها و ارائه مثال هاست.

واین روش بر خلاف اصول تربیتی آموزش یعنی حرکت از آسان به دشوار است. (مدکور، ۲۰۰۰: ۲۹۴).

روش استقرائی

این روش که به روش استنباطی نیز نامگذاری شده است در واقع استنباط قواعد از مثال های مختلف است. در این روش بر عکس روش قیاسی ابتدا شاهد و مثال ها عنوان شده و

سپس قاعده کلی آموزش داده می شود یعنی در واقع از جزئیات به کلیات خواهیم رسید. (ظافر و الحمادی، ۱۹۷۴: ۲۷۹).

از مزایای این روش نقش فعال فراگیر است. با مطرح شدن مثال ها و شواهد ذهن او شروع به کنکاش می کند و با کشف قاعده و لذت بردن از آن، انگیزه و شوق او به یادگیری بیشتر می شود. و افزایش چشم زمان آموزش نسبت به روش قیاسی و دور بودن از کاربردهای واقعی زبان در زندگی روزمره می توان از عمده ترین معایب آن بر شمرد.

روش متن محور

این روش بر تدریس قواعد بر اساس متون استوار است. روشی که شباهت های زیادی به روش دوم دارد چرا که در نهایت به استنباط قواعد می انجامد. روشی که در آن به قواعد نحوی نوعی پدیده های زبانی محسوب می شوند (إسماعیل، ۲۰۰۵: ۲۲۸). در این روش معلم یک متن کامل کاربردی و واقعی - نه به صورت انتزاعی و منفصل از زبان - را که در برگرفته اسلوب های مرتبط با درس است انتخاب می کند. و این انتخاب باعث می شود که فراگیر به ضرورت و ارتباط قواعد با زبان واقعی پی ببرد (الدیلمی و الوائلی، ۲۰۰۹: ۲۲۴). این در حالی است که یکی از مشکلات عمده آموزش قواعد عربی عدم احساس نیاز فراگیران به این قواعد است. در صورتی که فراگیر بداند که این قاعده در متن واقعی به کار رفته است تمایل بیشتری نسبت به یادگیری این قاعده خواهد داشت. ضمن آنکه به کمک این روش به توانایی فهم متن مورد نظر نیز اقدام شده است و قواعد به عنوان یک ابزار در راستای فهمیدن متن استفاده شده است و فراگیر رابطه بین دانستن قواعد و فهم متن را درک می کند. البته نایبستی پیدا کردن متن مناسب واقعی بر اساس قواعد مورد نظر و محدود بودن زمان را در این روش نادیده گرفت.

یافته های تحقیق

به منظور کسب موفقیت در آموزش یک زبان خارجی قبل از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که فراگیری یک زبان غیر مادری یک روند تدریجی و چند ساله است که نمی تواند فقط با آموزش کوتاه مدت همراه با گذراندن چند واحد درسی به سرانجام برسد. اما حداقل انتظاری که پس از آموزش یک ماده درسی معقول به نظر می رسد ارتباطی است که بایستی دانشجو با آن برقرار کند و بتواند از آموخته های آن ماده درسی در عمل استفاده نماید. و اگر بعد از یک دوره رسمی آموزش زبانی با تکیه بر یک نوع از مهارت این توانایی در فراگیران ایجاد نشود، می توان ادعا کرد که آموزش ارائه شده نتوانسته است انتظارات منطقی را به نحو مناسب پاسخ دهد. و این مشکلی است که در حال حاضر در حوزه تدریس زبان عربی در دانشگاه افسری امام علی (ع) حس می شود و حکایت از عدم کاربردی بودن آن و متکی بر اساس قواعد پیچیده است. در جستار حاضر سعی بر آن است تا با اثبات این ادعا و ضعفی که وجود دارد به دنبال راهگشایی باشد.

زمانی هدف از مطالعه ی زبان خارجی و فهم آن، تجزیه آن به جزئیات گرامری، ترجمه زبان خارجی به زبان مادری و برعکس بود و روی مهارت های خواندن و نوشتن تاکید می شد و به شنیدن و صحبت کردن توجه نمی شد. در این شیوه سنتی که شیوه دستور- ترجمه نام داشت، هدف از یادگیری زبان خارجی، صرفا درک مطلب و فهمیدن آن زبان و تقویت قوای ذهنی زبان آموز بود (ریچاردز و راجرز، ۲۰۰۱).

به بیان ساده تر، عوامل عدم فراگیری آموزش زبان عربی را می توان به دو بخش عوامل عام و خاص تقسیم بندی کرد. عوامل کلی را می توان به شرایط حاکم در یک دانشگاه نظامی متصور

شد که دانشجویان همزمان علاوه بر آموزش‌های نظامی می‌بایست آموزه‌های علمی را نیز فرا گیرند که این فشردگی برنامه‌ها فرصت مطالعه و تحقیق را از دانشجوی می‌گیرد و در برخی از موارد رخوت و خستگی به بار خواهد آورد و عوامل مربوط به آموزش زبان عربی که مورد خطاب این تحقیق می‌باشند. بدیهی است که بررسی همه عوامل تأثیر گذار در امر آموزش یک زبان را نمی‌توان در این جستار بررسی نمود. از این رو نگارنده از میان عوامل محیطی و مدرس و دانشجو و فقط به مواد آموزشی ارائه شده پرداخته است.

یکی از حوزه‌های مهم در مطالعات برنامه ریزی درسی، شناسایی و تعیین نیازهای مهم هنگام تصمیم‌گیری است که «نیازسنجی» نامیده می‌شود (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۱: ۱۰۰). در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان، تحلیل و بررسی نیازهای آموزشی نادیده گرفته می‌شود و برخی از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی در حوزه زبان کتاب‌های درسی شناخته شده را تنها روش آموزش می‌دانند. هر چند که در بعضی از مواقع نتایج خوب و گذرا حاصل شود، ولی به طور کلی در این نوع از برنامه‌ریزی‌های درسی به نیازهای اساسی زبان‌آموزان بی‌توجهی می‌شود (وست، ۱۷: ۱۹۹۴)^۱.

هاچینسون و واترز (۱۹۸۷) سه نوع نیاز را در هر الگوی زبانی ارائه نموده‌اند: ضرورت‌ها، کمبودها، علاقه‌ها (نیشن و مکالیستر، ۲۰۱۰م: ۲۴). از این رو این سوال مطرح می‌شود که:

اول؛ هدف استفاده از آموزش زبان عربی در دانشگاه چیست؟ یا آیا ضرورتی به تدریس زبان عربی وجود دارد؟

دوم: فراگیران به چه مهارت‌هایی نیاز دارند؟

^۱ West, R. (1994)

سوم؛ فراگیران به آموزش چه چیزی علاقه دارند؟

تحلیل نیازها در تدریس زبان با اهداف مختلفی صورت می گیرد که مهمترین آن ها عبارتند از : جمع آوری معلومات در مورد مشکلات معینی که زبان آموزان در مهارت های زبانی با آن مواجه هستند، آشنایی با شکافت میان آنچه زبان آموزان می توانند انجام دهند و آن چه نیاز دارند که انجام دهند و مشخص کردن میزان توانایی برنامه و کتاب های فعلی در برآوردن نیازهای زبان آموزان (ریتشاردز، ۱۳۸۸: ۸۱). و اصطلاح نیازها برای اشاره به خواسته ها، مطالبات، توقعات، انگیزه، نقص، مشکلات، و قید و بندهایی است که فراگیران در یادگیری خود با آن ها مواجه هستند (بریندلی، ۱۹۸۴ : ۲۸)^۱. از این رو تحلیل مشکلات زبانی یکی از مهم ترین بخش های نیازسنجی است که برآیندی واقعی از مشکلات زبانی زبان آموزان و شکافت میان وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب ارائه می کند. (محمدی رکعتی و دیگران: ۲۵۶).

آموزش زبان عربی در دانشگاه افسری امام علی (ع) محدود به دانشجویان رشته الهیات و فقه اسلامی در گروه الهیات دانشکده علوم پایه در گذشته و آموزش متکی برمهارت های زبان عربی در دانشکده زبان و ادبیات این دانشگاه می باشد که در اینجا به اختصار به فرصت ها و چالش های پیش روی هر کدام خواهیم پرداخت:

الف) دانشجویان الهیات و فقه اسلامی

در گذشته انتخاب و گزینش دانشجویانی که در این رشته تحصیل می نمایند از رشته های علوم انسانی و تجربی و ریاضی و فیزیک و احیاناً مدارس اسلامی بوده که پس از شرکت در آزمون استخدامی و مصاحبه در این رشته مشغول به تحصیل می شوند. و تمامی آموزه های

^۱ Brindley, G. (1984)

عربی آنان منوط به دروس عربی ارائه شده مقطع دبیرستان می‌باشد. گزینش این دانشجویان به مدت ۴ سال متوقف شد و از مهرماه ۱۴۰۳ دوباره شکل گرفته است.

از آنجایی که پایه و اساس رشته الهیات و فقه اسلامی دروس مرتبط با قرآن کریم و احادیث ائمه (ع) و نهج البلاغه و غیره می‌باشد. بر حسب نیاز (۷) واحد آموزش زبان عربی پیش بینی شده است که منحصر به آموزش قواعد گردیده است. این آموزش در (۳) واحد (صرف) که در ترم یک ارائه می‌شود و ۴ واحد (نحو ۱ و ۲) که به صورت متوالی در ترم‌های ۲ و ۳ ارائه می‌شود. کتابی که تدریس می‌شد کتاب «مبادئ العربیة» محمد محمدی بوده است.

(ب) دوره های عرضی شش ماهه آموزش زبان عربی

معاونت تربیت و آموزش نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر حسب نیاز خدمتی پیش بینی شده هر سال طی دو مرحله شش ماهه اقدام به ارائه آموزش زبانهای خارجی در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه افسری امام علی(ع) می نماید. آموزش زبان عربی نیز همانند سایر زبان‌ها طی دو مرحله شش ماهه در سال توسط گروه عربی این دانشکده به زبان آموزان ارائه می‌شود. زبان آموزان که از یگان‌های تابعه نیروی زمینی به این مرکز گسیل می‌شوند معمولاً افسران فارغ التحصیل دانشگاه افسری امام علی(ع) هستند. با توجه به عدم آموزش زبان عربی قبل از حضور آنان در دانشکده، گاهی آموزه‌های عربی آنان محدود به چند قاعده بسیار ساده مقطع دبیرستان می‌شود. در ادوار گذشته کتاب «صدی الحیاة» انتشارات کانون زبان ایران تدریس می‌شد و هم اکنون سلسله کتاب‌های «العربیة بین یدک» آموزش داده می‌شود. آموزش زبان عربی در این مرکز حول محوریت مکالمه می‌باشد هر چند که تاکید بر روی آموزش چهار مهارت زبانی یعنی خواندن، نوشتن و گوش دادن و صحبت کردن می‌باشد.

با در اختیار داشتن زبان آموزان و آموزش‌های مستمر و فشرده در طول این مدت شش ماه، اکثریت قریب به اتفاق آنان می‌توانند به راحتی به زبان عربی صحبت نمایند.

روش پیشنهادی

برای ترسیم یک الگوی آموزشی مناسب باید اطلاعات اساسی برنامه مورد نظر در ابتدا از سه حوزه پیش رو جمع‌آوری شود:

۱. اطلاعات بر اساس مبانی نظری
۲. اطلاعات بر اساس نظر سیاست گذارها و گیرندگان (مدرسان، دانشجویان)
۳. اطلاعات بر اساس شاخص‌هایی که از اسناد بالا دستی به دست می‌آید (مثل دستورالعمل‌ها، چشم‌انداز آتی و...)

این الگو باید عناصر عمده نیز داشته باشد از جمله:

۱. هدف: هدف نقطه آغازین هر برنامه است. محتوای برنامه، سطح زبانی و فرهنگی آن، شیوه‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی، همگی بر اساس هدف طراحی می‌شوند. (أحمد طعیمه و کامل ناقه، ۲۰۰۶م: ۱۰).
۲. محتوا: منظور از محتوا در برنامه‌های درسی محتوای کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی و تمامی فعالیت‌هایی است که متناسب با هدف طراحی می‌شود.
۳. فرآیند یاددهی-یادگیری: بعد از انتخاب محتوا و طراحی آن باید روش‌ها و راهبردهای مناسب تدریس انتخاب شود؛ (أحمد مدکور، ۲۰۱۰م: ۲۳۸).

۴. ارزشیابی: بعد از طی مراحل قید شده، باید کارآمدی آموزش‌های ارائه شده مشخص و کمبودهای موجود شناسایی شود.

روشی که هم اکنون در رشته الهیات تدریس می‌شود متکی بر روش قیاسی است، روشی که برای تدریس قواعد در مراحل پیشرفته و انتهای امر آموزش و به ویژه جهت دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب آن هم نه در ترم های ابتدایی مناسب است. به نظر می‌رسد جهت دانشجویان ترم اول دانشگاه با سبقت کم عمق تعلیم عربی اصلاً همخوانی ندارد. با نگرش بر آنکه هدف از آموزش زبان عربی به دانشجویان الهیات و فقه اسلامی بالا بردن درک و فهم آنان از واژگان و متون مذهبی مثل قرآن کریم و نهج البلاغه و احادیث ائمه (ع) می‌باشد، بهترین روش همان روش متن محور به نظر می‌رسد که ارائه همزمان قواعد و متون مد نظر را می‌طلب. آنچه که می‌بایست لحاظ شود این است که قواعد، باید پلی برای فهمیدن و درک متن باشد و نه به عنوان اصل هدف آموزشی.

در این روش ملاک‌هایی همچون نیاز سنجی، طبقه بندی قواعد، انتخاب متون هدفمند، ارائه متن، استنباط قاعده، تطبیق و تمرین بایستی مد نظر قرار گیرد (محمدی و کیانی، ۲۸۳). در نیازسنجی به این سوال پاسخ داده خواهد شد که فراگیر چه چیزی باید یاد بگیرد؟ نیاز سنجی شامل بررسی خواسته های زبان آموزان، مشکلات زبانی آنها و ضرورت‌های یادگیری آن زبان است. (ماسالیستر، ۲۰۱۰: ۲۴). در این پژوهش منظور از نیازسنجی بررسی قواعد ضروری رشته الهیات بوده و اهدافی است که در نهایت فراگیر به کمک یادگیری آن قواعد بتواند به درک و فهم بهتری دست یابد. در حالی که در شیوه سنتی بر اساس دیدگاه نویسنده هر آنچه

را که لازم دانسته است از تبصره و قانون و قاعده ذکر شده و دانشجو ملزم به یادگیری همه آنها است؛ قواعدی که شاید برای یک بار هم دانشجو به یادگیری آن نیازی نداشته باشد.

در مرحله طبقه بندی قواعد پیشنهاد می شود قواعد از آسان به سخت تقسیم بندی شود و در متن های هدفمند نیز این قاعده رعایت شود.

نتیجه گیری

این تحقیق مشخص ساخت که تدریس زبان عربی بر اساس چهارچوب آموزش کنونی در دانشگاه افسری امام علی (ع) موفقیت آمیز نخواهد بود. در نتیجه با در نظر گرفتن شرایط حاکم در این دانشگاه نظامی و فشردگی سایر برنامه های آموزشی و نظامی، انتظار می رود در برنامه ریزی آموزش زبان عربی در دانشگاه سه شیوه در نظر گرفته شود:

- ۱) جهت دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) از همان ترم اول آموزشی با گنجاندن کتاب های مختص مهارت های زبانی همانند آنچه در گروه عربی دانشکده زبان و ادبیات اتفاق می افتد، باعث آشنایی دانشجویان با این زبان و ایجاد علاقه و انگیزه شد و این آموزش ها به صورت مداوم تا آخرین ترم تحصیلی بایستی ادامه داشته باشد.
- ۲) در صورت ایجاد دوباره رشته تخصصی الهیات و علوم قرآنی در دانشگاه، ترم های پایانی دانشجویان الهیات به دروس تخصصی قواعد عربی اختصاص یابد و پس از نیازسنجی بایستی قواعد کاربردی شناسایی و به روش متن محور ارائه شود.

- ۳) با نگرش به اینکه زبان عربی یک رشته بین المللی بوده و با توجه به موقعیت جغرافیایی کشور و مجاورت کشورهای عرب زبان، دانشجویان علاقه مند و مستعد از ترم اول آموزشی گزینش شوند و به صورت مستمر مهارت های چهارگانه زبان عربی تا

پایان فارغ التحصیلی به آنها آموزش داده شود و حتی در صورت نیاز پس از فراغت از تحصیل با فراهم نمودن شرایط ادامه تحصیل در این رشته بتوان نیازمندی‌های سازمانی را برطرف ساخت.

منابع:

قرآن کریم

رسولی، حجت، (۱۳۸۴)، «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران (مبانی تعریف گرایش‌ها)»، مجله پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۷، ص ۴۳-۵۸.

ریچاردز، جک سی و تئودور اس، راجرز (۱۳۸۸)، رویکردها و روش‌ها در آموزش زبان، ترجمه علی بهرامی، ج ۳، تهران: رهنما.

سلیمی، علی، (۱۳۸۶)، «آموزش عربی در مدارس و دانشگاه‌های ایران (نقص‌ها، کاستی‌ها، و راهکارها)» مجموعه مقالات همایش مدیران گروه‌های عربی کشور، دانشگاه بوعلی همدان. ص ۱۷۵-۱۹۸.

عباسیان و دیگران (۱۳۹۰)، ارزیابی برنامه آموزش‌های علمی در بافت سازمان‌های نظامی و ارائه الگوی آموزشی متناسب (با تأکید بر ارزیابی برنامه آموزش زبان انگلیسی دانشگاه افسری امام علی (ع)، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۴۳، سال یازدهم، صص ۱۱-۴۲.

فتحی و اجارگاه، کورش (۱۳۸۱)، نقد و بررسی جایگاه مطالعات نیازسنجی در فرآیند برنامه ریزی درسی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا، سال ۱۲، شماره ۴۲، صص ۷۴-۱۰۴.

محمدی رکعتی و دیگران (۱۳۹۴)، نیازسنجی برنامه درسی مهارت های زبانی در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی (تحلیل مشکلات زبانی دانشجویان در مهارت های زبانی)، دوماهنامه جستارهای زبانی، شماره ۶۵، صص ۲۵۱-۳۷۴.

نجفی، شیخ احمد (۱۳۹۴)، دروس دارالعلوم العربیه، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

منابع لاتین

Brindley, G. (1984). Need Analysis and Objective Setting in Adult Migration program, Sydney: NSW Adult Migrant Education Service.

West, R. (1994), Need Analysis in Language teaching. Language Teaching, 27(1) pp 1-19.